

جهش‌های تحصیلی یا آفرینش‌های ذهنی

دکتر غلامعلی افروز

چکیده

پس از اعلام سازمان مبنی بر ضرورت انتقال «فاضله فلاح» به یک مدرسه عادی بعثت عدم امکان موفقیت در مجموعه آموزشی مراکز سازمان و شانس موفقیت در ادامه تحصیل در یک مدرسه عادی و نپذیرفتن اولیاء او و درخواست ثبت نام از دولوهای کوچکتر بدون اینکه در کنکور سازمان شرکت کرده باشند، و مظلوم‌نمایی بخصوص از طریق یکی از روزنامه‌های عصر، آقای دکتر غلامعلی افروز با ارسال مقاله‌ای به ضایعات «جهش‌های تحصیلی» نامطلوب و اثرات منفی آن پرداخته‌اند. با هم این مقاله را می‌خوانیم.

بدون تردید نظام خلقت الهی، نظامی است ویژه و استثنایی و هر کس به گونه‌ای خاص و متفاوت از دیگری آفریده می‌شود.^۱ کودکان و نوجوانان از جهات مختلف ذهنی، جسمی، عاطفی و روانی با هم تفاوت دارند. ما در زندگی روزمره خود، عمدتاً به تفاوت‌های قابل ملاحظه یا معنی‌دار توجه داشته، کسانی را که به گونه‌ای کاملاً مشهود نسبت به دیگران تفاوت دارند، استثنایی می‌نامیم.

مثلاً در کنار گروهی از افراد جامعه که به دلایلی از نظر ذهنی دچار عقب‌ماندگی هستند، عده‌ای نیز در جهت دیگر منحنی هوشی قرار گرفته، به درجات مختلف از نظر هوشی بطور قابل ملاحظه‌ای برتر از همسالان خود می‌باشند. اما باید توجه داشت که تفاوت‌های بین فردی، به خودی خود به معنای برتری و فضیلت نیست، چرا که تنها معیار ارزشها در نزد خالق انسانها تقواست.^۲ تقوا نیز کسب کردنی و ارادی است و اگر به لطف و حکمت الهی فردی از بهره هوشی فوق‌العاده برخوردار می‌شود، قدر مسلم به همان میزان مسئولیت بیشتری در زندگی اجتماعی، متوجه او و والدین و مربیان می‌گردد. پروردگار متعال هر کس را به اندازه وسع و توانش مسئول می‌داند^۳ و بالطبع آنانی که از ظرفیت ذهنی بیشتر و قدرت تفکر فوق‌العاده‌ای برخوردارند، بیش از دیگران مسئول هستند.

بنابراین شناخت و تعلیم و تربیت صحیح افراد تیزهوش و پرورش استعدادها و خلاقیت‌های ذهنی آنان به عنوان یک ضرورت و مسئولیت اجتماعی از اهم وظایف کارگزاران جامعه اسلامی و دست‌اندرکاران نظام آموزشی کشور است.

در دنیای پیچیده امروز که شاهد رقابت‌های بسیار فشرده جوامع مختلف در دستیابی به تکنولوژی برتر به مثابه منبع اصلی قدرت هستیم، افراد تیزهوش و خلاق و صاحبان اندیشه‌های نو و تفکر واگرا، از گرانباترین سرمایه‌های هر جامعه و ملتی هستند. اینک جامعه ما بیش از هر زمان دیگر نیازمند افراد هوشمند، خلاق و نوآور است. هر قدر جهانی که در آن زندگی می‌کنیم پیچیده‌تر می‌شود نیاز به شناسایی و پرورش ذهن‌های خلاق و آفریننده بیشتر و شدیدتر می‌گردد و به همین دلیل در دهه اخیر مطالعات و تحقیقات مربوط به تیزهوشی و خلاقیت از مهمترین مسائل، در قلمرو روانشناسی آموزشی آموخته شده است.

اما اصلی‌ترین سؤال این است که آیا هر کودک و بزرگسال تیزهوشی می‌تواند خلاق و مبتکر باشد و یا اینکه پدیده خلاقیت امری دیگر و مستلزم توجه دیگری است؟

قبل از بحث مختصری پیرامون خلاقیت، تذکر این نکته لازم است که افراد خلاق و نوآور عموماً از بهره هوشی بالاتر از متوسط برخوردار هستند، اما هر فرد تیزهوش لزوماً خلاق و نوآور و صاحب تفکر و اگر نیست، لذا تیزهوشی زمانی می‌تواند از ارزش فوق‌العاده‌ای برخوردار باشد که خمیرمایه خلاقیت و نوآوری گردد و چه بسا عطف توجه به قدرت خارق‌العاده ذهنی کودک و انباشته کردن آن با مجموعه‌ای از اطلاعات و مهارت‌های ذهنی و هدایت پیش از موقع کودک به یاد سپاری معلومات آموزشگاهی، خود مانع رشد خلاقیت و آفرینش ذهنی وی شود.

در گذشته دور، «فلاطون» اعتقاد داشت بهتر است کودکان تیزهوش و با استعداد را برگزینیم و بخوبی تربیت کنیم تا رهبری و مدیریت آتن و اسپارت را به آنان بسپاریم. به عبارت دیگر افلاطون انتخاب و تربیت تیزهوشان را برای اداره امور جوامع ضروری می‌دانست و بسیاری نیز بر این عقیده استوار بودند. پس از انقلاب صنعتی در اروپا هم این اندیشه خریدار بسیاری داشت، بدین معنی که سردمداران جوامع صنعتی بر آن بودند که با دایر کردن دوره‌های تخصصی و تربیت افراد تیزهوش، مدیریت مراکز صنعتی، علمی و فنی را به آنان واگذار کنند. از سال‌های ۱۹۵۰ به این سو، این تفکر با حفظ تازگی خود به شکل امروزی آن مطرح گردید.

با توجه به این که دنیا روز به روز پیچیده‌تر می‌شود و تکنولوژی با سرعت سرسام‌آوری به پیش می‌رود، سخن از جنگ ماهواره‌هاست، انسان‌های رباتیک پای به عرصه حیات بشری می‌گذارند و لجام گسیختگیهای فرهنگی هم به شیوه‌های بی‌سابقه‌ای فراگیر شده و خواهد شد، اگر محصلان هر جامعه بخصوص تیزهوشان آن نتوانند بر تکنولوژی جدید احاطه داشته باشند، آن جامعه دچار نوعی عقب‌ماندگی فرهنگی خواهد شد. پس باید بچه‌ها را به گونه‌ای تربیت کنیم که از حداکثر ظرفیت هوشی خویش بهره‌مند شوند تا در آینده قادر باشند خود و جوامع صنعتی‌شان را اداره کنند.

امروزه دنیا به این نتیجه رسیده است که اگر چه تیزهوشان از اهمیت بسیاری برخوردارند و درست است که انسانها برای ادامه حیات مطلوب خود نیازمند بهره‌گیری از حداکثر ظرفیت هوشی خویش هستند، اما در آینده کشورهای قدرتمند و جوامع پیشرو، جوامعی هستند که به منابع قدرت بیشتری دسترسی داشته باشند و منبع اصلی قدرت یعنی تکنولوژی جدید و برتر. به بیان دیگر در دهه اول سال ۲۰۰۰ کشورهایی که بتوانند به تکنولوژی برتر مسلح شوند غنی‌تر و قوی‌تر خواهد بود. بنابراین شایسته است که از میان افراد تیزهوش جامعه، نوجوانان و جوانانی را انتخاب و تربیت کنیم که دارای قابلیت‌های آفرینش علمی و هنری هستند. همچنین زمینه «تفکر و اگر»^۴ را برای آنان فراهم کنیم تا با اختراعات و نوآوری‌هایشان جامعه و کشور خویش را قدرتمند سازند.

اگر ما نیز بخواهیم به آینده کشورمان بیندیشیم چاره‌ای جز این نداریم که به جای توجه به پیش‌افتادگیها و جهش‌های تحصیلی و مدرک‌گراییها، شیوه‌های آموزش خلاق را در مدارسمان به کاربریم و در دانشگاه‌هایمان نیز به امر پرورش خلاقیت در میان جوانان بیشتر پردازیم.

بدون شک، در این ارتباط در جامعه اسلامی ما بیشترین مسئولیت بر عهده کارگزاران و مربیان آموزش و پرورش است که با علم و آگاهی، محبت و صبوری نوباوگان و نوجوانان کشورمان را به گونه‌ای تربیت نمایند که آنان بتوانند سرنخ تکنولوژی برتر را به دست گرفته، در برابر همه لجام گسیختگیهای فرهنگی مقاوم باشند.

خلاقیت امری است فردی که طی آن شخص با استفاده از «تفکر و اگر» فکری نو و تولیدی تازه ارائه می‌دهد. خلاقیت در نوجوانی و جوانی به اوج خود می‌رسد صاحبان تفکر خلاق از اعتماد به نفس قوی، احساس خود ارزشمندی بسیار، آزاداندیشی،

انعطاف‌پذیری فراوان و قدرت تخیل شگفت‌انگیز برخوردارند. اینان کسانی هستند که از اوقات فراغت خود بهترین بهره را می‌گیرند و دارای آرامش و تعادل روانی هستند. صراحت لهجه، شوخ طبعی، منطقی بودن، استقلال رأی و قضاوت از دیگر ویژگیهای افراد خلاق است. ذهن افراد مبتکر و خلاق خارج از کانال بندها و نرم‌های مشخص جامعه کار می‌کند و ایشان همواره قراردادهای و نرّمهای موجود را مورد سؤال قرار می‌دهند. زیاد سؤال کردن و داشتن ابتکار عمل نیز از خصایص انسانهای خلاق به شمار می‌آید.

حقیقت این است که خلاقیت به معنای خاص آن، به مثابه برترین ویژگی ذهنی انسان مولد و متفکر، خود نشانی است از رشد متعادل و متعالی شخصیت و پاسخی است به نیاز همیشه انسان به شکافتن بن بستها و راه یافتن به فراطرها.

برای اینکه نوجوانان و جوانان از شخصیت مستقل، متعادل و متعالی که جوهره شکوفایی وجود و خلاقیت‌های ذهنی است برخوردار گردند، باید زمینه‌های تلاش و حرکت آنها را به تناسب رشد شخصیت و تحول ذهنی‌شان فراهم ساخت و موانع پیشرفت آنان را برطرف کرد. از آنجا که وجود موانع متعدد، فشارها، شکستها و ناکامیهای مکرر در زندگی موجبات ایجاد سستی و تزلزل در پایه‌های شخصیت در حال رشد کودکان و نوجوانان را فراهم می‌سازد و اعتماد به نفسشان را کاهش داده، احساس خود ارزشمندی ایشان را تضعیف می‌کند، می‌بایست از رها ساختن آنان در میان انبوه مشکلات اجتماعی و فشارهای اقتصادی حتی الامکان اجتناب ورزید.

حقیقت این است که در غالب موارد جهشهای تحصیلی سبب می‌شود که کودکان بطور یک بعدی رشد کنند و بدور از یک بالندگی هماهنگ و متعادل، با تحمل کمبودها و فشارهای عاطفی، روانی و اجتماعی، تُرد و شکننده شده، شخصیتی کاملاً آسیب‌پذیر و فاقد استقلال رأی داشته باشند. این قبیل کودکان و نوجوانان عموماً از آزاد اندیشی، استقلال رأی، بی تکلفی و شوخ طبعی که از برجسته‌ترین ویژگیهای افراد خلاق و مبتکر است محرومند و همواره در اندیشه و تلاش و کاری هستند که صرفاً رضایت اولیاء و مربیان‌شان را فراهم آورند. برخی از اینان متأسفانه فقط به سوگلی خانه و مدرسه تبدیل می‌شوند، در حالیکه بچه‌های خلاق خودشان هستند و یا می‌خواهند خودشان باشند! راستی وقتی که انسان از یک رشد هماهنگ و متعادل جسمی، ذهنی، عاطفی، اخلاقی و اجتماعی بهره‌مند نباشد، چگونه می‌تواند از بهداشت روانی، آرامش خاطر، اعتماد به نفس و احساس خود ارزشمندی که از پایه‌های نخستین خلاقیت‌های ذهنی است برخوردار شود؟!

به گفته «تورانس»^۱ (۱۹۸۹) که از محققان برجسته روانشناسی خلاقیت‌های ذهنی است: «خلاقیت، شکافتن بن بستها و دست دادن با فرداست». با توجه به این بیان، چگونه کودک یا نوجوانی که نیازهای اولیه و اساسی او بنحو شایسته‌ای تأمین نشده و تمامی شخصیتش در دایره ذهنش محبوس گشته است می‌تواند بن بستهای محیط و جامعه‌اش را بشکافد، طرحی نو دراندازد، از قالب خویش به در آمده، پیوندی با دنیای فردا داشته باشد؟!

بطور کلی برای اینکه بچه‌ها ذهنی خلاق داشته باشند، نیازمند آرامش روانی، اطمینان خاطر و اعتماد به نفس قوی هستند. تنبیه، تهدید، تحقیر و هرگونه فشارهای روانی و ذهنی و تهدید شخصیت فراگیر و در حال رشد کودک آفت رشد و شکوفایی خلاقیت‌های ذهنی است.

بنابر آنچه که اختصاراً به آن اشاره شد، برای اینکه کودکان و نوجوانان ما از بهداشت روانی، شخصیتی مستقل و ذهنی خلاق برخوردار شوند ضروری است:

۱- با توجه به نیازهای اساسی کودک و حسن تأمین آنها، زمینه‌رشد متعادل و هماهنگ شخصیت ایشان را فراهم کرده از اعمال هرگونه فشار جسمی، ذهنی، عاطفی و روانی اجتناب نمود.

- ۲- ضمن توجه بیشتر به شیوه‌های ارضای حس کنجکاوی فوق‌العاده کودکان تیزهوش و هدایت مطلوب انرژی روانی ایشان، از پرورش مهارت‌های حسی، عاطفی و اجتماعی آنان غافل نبود.
- ۳- از آنجا که جهش تحصیلی، بخصوص جهشهای چندگام، همواره سبب می‌شود کودک در موقعیتی قرار گیرد که از نظر عاطفی، روانی و اجتماعی آمادگی نشان دادن واکنشها یا رفتارهای مطلوب و مورد انتظار را نداشته، غافل از رشد مستقل شخصیت خود صرفاً در اندیشه جلب توجه و رضامندی دیگران به سربرد و بالطبع از هرگونه آفرینشهای ذهنی محروم ماند، شایسته است ضمن ارج نهادن به ظرفیت ذهنی فوق‌العاده کودکان تیزهوش از مواجه ساختن زودرس آنان با برنامه‌های درسی و تأکید بر محفوظات و عنوان کردن تکالیف مختلف پرهیز شود.
- ۴- بایسته است حتی الامکان تلاش کنیم که شخصیت در حال رشد کودکان و نوجوانان را در گرداب فشارهای ذهنی و اجتماعی، آسیب‌پذیر و متزلزل نسازیم.
- ۵- لازم است هرگز از کودکان و نوجوانان نخواهیم که همه انرژی و توان خویش را صرفاً برای رضامندی اولیاء و مربیان مصروف دارند. باید به آنها فرصت دهیم هر زمان که مقدور است آزادانه و مستقل به مسئله یا فعالیتی که عمیقاً دوست دارند و بهتر از هر کار دیگر از عهده آن برمی‌آیند بپردازند. شایسته است نوجوانان و جوانان مطلوب‌ترین اوقات فراغت را در اختیار داشته باشند تا آزادانه و به گونه‌ای که دوست دارند از آن بهره برده، از هوشمندی و استعداد خود بهترین و بیشترین استفاده را بکنند.
- ۶- برگزاری کلاسهای آموزش خانواده برای اولیای جوان، بخصوص کسانی که دارای کودکان تیزهوش و سرآمد هستند و آشنا کردن ایشان با روشهای پرورش حس کنجکاوی و قدرت خلاقیت در کودکان و نیز آگاه ساختن مربیان مدارس از روشهای آموزش بالینی و خلاق، امری است بسیار ضروری.
- ۷- تأسیس و گسترش مراکز مشاوره و راهنمایی خانواده و کودکان سرآمد و خلاق (سین پیش دبستان و دبستان) از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است.
- ۸- در نهایت انجام مطالعات مستمر پیرامون کودکان تیزهوش و خلاق جامعه و همچنین استفاده از نتایج بررسیهای انجام شده درباره آن دسته از کودکان تیزهوشی که در سالهای گذشته با جهشهای تحصیلی پی در پی مدارج مختلف تحصیلی را طی کرده، اما هیچگونه خلاقیتی از خود نشان نداده‌اند نیز می‌تواند راهگشای بسیار از برنامه‌های آتی و پاسخی برای خوش باوریها و پیش داوریها باشد.



یادداشتها

- ۱- لَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ أَطْوَارًا (سوره نوح، آیه ۱۴)
- ۲- اِنْ اَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقِيكُمْ (سوره حجرات، آیه ۱۳)
- ۳- لَا يَكْفِ اللَّهُ نَفْسًا اِلَّا وَسَعَهَا (سوره بقره، آیه ۲۸۶)



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی